

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حوزه محیط زیست در صورت بروز خسارت در نظام حقوقی ایران

آذرگشسب معراج^۱

^۱موسسه آموزش عالی روزبهان

نویسنده مسئول:

آذرگشسب معراج

چکیده

در کشورمان قوانین متری برای حفاظت از محیط زیست وجود دارد، نحوه مصرف منابع و عملکرد بعضی افراد جامعه و پایین بودن سطح مطالبات اجتماعی در بخش محیط زیست و فقدان یا محدودیت استانداردهای محلی و دستورالعمل‌های لازم اصلی‌ترین عوامل بروز مشکلات در محیط زیست کشورمان است. لطمه به محیط زیست و خسارت ناشی از آن، یکی از مشکلاتی است که جامعه امروزی با آن مواجه است و اینکه روزانه محیط زیست به طرق گوناگون مورد ایراد خسارت و لطمه‌های جدی قرار گرفته، اما صرفنظر از اینکه این خسارات متوجه شخص خاصی گردد، بدون جبران رها مانده و کسی این مسئولیت را بر عهده نمی‌گیرد، لذا با توجه به لزوم جبران هر نوع ضرر یا زیان، در اکثر نظام‌های حقوقی، مطالعه، ارزیابی و بحث از مسئولیت مدنی ناشی از لطمه به محیط زیست، از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار است. افزایش سریع مشکلات زیست محیطی همه جوامع بشری را تهدید می‌کند. منشأ این مشکلات زیست محیطی را می‌توان به الگوهای رشد جوامع مدرن نسبت داد. افزایش تقاضای مصرف ممکن است که به زوال محیط منجر شود. با این وجود، شدت زوال زیست محیطی می‌تواند برای کیفیت جوامع مدرن خطرناک باشد. پس از افزایش مشکلات زیست محیطی در نتیجه فعالیت‌های غیرمتعهدانه کسب و کار و نگرش‌های بی‌دقت بشر، کسب و کارها به مسئولیت اجتماعی روی آورده‌اند. در این پژوهش با توجه به اهمیت مسائل زیست محیطی، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حوزه محیط زیست مطرح و بررسی شده است.

کلید واژه: مسئولیت مدنی، محیط زیست، آلودگی

مقدمه

محیط زیست در دو مفهوم بکار برده می شود یکی مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می شود و تحت عنوان «محیط زیست طبیعی» معرفی شده و دیگری در تعامل با سازوکارهای انسانی است که با عنوان «محیط زیست انسانی» از آن نام برده می شود و هر دو عنوان فوق طیف گسترده ای از موضوعات مختلف را تحت پوشش خود دارد.^۱ محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگلها، مراتع، منابع آبی و... بوده و طیف وسیع و گسترده ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکال هایی را به وجود آورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست را به صورت جامع و مانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده اند بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر سخن گفته است که در این راستا می توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود.^۲ با توجه به سیمای متنوع سطح کره خاکی و نیز طیف وسیع مسائل زیست محیطی، بایستی سعی گردد، تا تعاریفی کاربردی برای محیط زیست ارائه شوند. بدین منظور می توان، آن چه را که ما را احاطه کرده، بر ما تأثیر می گذارد و از ما تأثیر می پذیرد، بر سه بخش کلی تقسیم نمود:

(۱) محیط طبیعی؛

(۲) محیط اجتماعی؛

(۳) محیط مصنوع.

در حالی که در تقسیم بندی های تئوریک مانند آن چه در بالا آمده سعی در تفکیک محیط زیست در بخش های مختلف (ولی همگن و متجانس) می شود، در عمل تفکیک این محیط ها از یکدیگر غیر ممکن است.^۳

مسئولیت مدنی، در هر موردی که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می گویند؛ در برابر او مسئولیت مدنی دارد، این مسئولیت ناشی از اراده و اختیارات انسان است. مسئولیت مدنی یعنی مسئولیت پرداخت خسارت، بنابراین هر کجا شخصی در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد در آنجا مسئول است. مسئولیت مدنی جزو وقایع حقوقی است چون حتی در جایی که شخصی عمداً به دیگری آسیب می زند و یا از اجرای قرارداد خودداری می کند، این قانون است که مسئولیت را بر عهده آن قرار می دهد. اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان حقوقی کنونی، نمایانگر مجموعه قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می سازد. از دیدگاه دیگر، در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.^۴

بیان مساله

حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب می شود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با وجود این، حقوق مسئولیت مدنی نیز نسبت به ادای چنین تکلیفی بیگانه نیست. امروزه محیط زیست و محافظت از این نعمت الهی در جایگاهی رفیعی در اجتماع قرار گرفته است که مفهوم ارزش اخلاقی را به خود اختصاص داده است و حال زمان آن رسیده است که از این ثروت لایزال حمایت کیفریو ایجاد قواعدی خاص در باب مسئولیت مدنی بشود. در این راستا ضعف ضمانتهای حقوق مسئولیت مدنی و عدم کفایت تدابیر اداری، ضرورت یاد شده را تقویت می کند با این حال کاربست حقوق مدنی برای حمایت از محیط زیست مستلزم ملاحظه بایسته هایی است که بدون توجه به آن ها نمی توان به توفیق این حقوق امیدوار شد. افزایش سریع مشکلات زیست محیطی همه جوامع بشری را تهدید می کند. منشأ این مشکلات زیست محیطی را می توان به الگوهای رشد جوامع مدرن نسبت داد. افزایش تقاضای مصرف ممکن است که به تنزل محیط منجر شود. با این وجود، شدت تنزل زیست محیطی می تواند برای کیفیت جوامع مدرن خطر ساز باشد. پس از افزایش فجایع زیست محیطی در نتیجه فعالیتهای نامحاطانه کسب و کار و نگرش های بی دقت بشر، سازمان های کسب و کار به مسئولیت اجتماعی روی آوردند. بنابراین می توان گفت مسئولیت مدنی ریشه در مسئولیت اجتماعی دارد. اهم مسئولیتهای اجتماعی شرکت ها در جامعه، محیط زیست و سازمان به صورت زیر می باشد.

الف: مسئولیت اجتماعی مشترک شرکت در محیط زیست و جامعه

ب: مسئولیت اجتماعی شرکت در محیط زیست

^۱ محمد یوسفوند، (۱۳۸۶)، تعریف محیط زیست و اقسام آن، تهران، بی نا، ص ۸.

^۲ حسن عمید، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات سپهر، ص ۱۳۹۴.

^۳ به نقل از: میرعظیم قوام، (بی تا)، حمایت کیفری از محیط زیست، چاپ اول، تهران: نشر سازمان حفاظت محیط زیست، ص ۵.

^۴ کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، (الزام های خارج از قرارداد) تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۰، ص ۷

ج: مسئولیت اجتماعی شرکت در جامعه

د: مسئولیت اجتماعی شرکت در سازمان

وجود یک کره خاکی مشترک بین مردم جهان، علایق مشترکی را برای انسان‌ها به وجود می‌آورد که می‌باید هر روز به هماهنگی بیشتر در این زمینه نایل آیند. یکی از آن هماهنگی‌ها، هم‌آوایی در مبنای مسئولیت مدنی زیست‌محیطی است. در بسیاری از کشورهای اروپایی، برای خسارت‌های زیست‌محیطی، مسئولیت مدنی مطلق در نظر گرفته شده است که می‌تواند به مقدار زیادی از تهاجم دستگاه‌های سودطلب و مخرب محیط زیست بکاهد. در حالی که رویه عملی محاکم ایران، بر اساس مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و بسیاری از پرونده‌های مطروحه زیست‌محیطی با ناکامی روبه‌رو می‌شود و در صورت موفقیت نیز خاصیت بازدارندگی از وقوع تخریب علیه مواهب طبیعی را ندارند. حقوق مدنی و سیاسی که به نسل اول حقوق بشر نیز موسوم هستند، دربردارنده «حقوق‌هایی فردی مشتمل بر مصونیت از مداخله خودسرانه حکومت یا به عنوان ضمانتی برای حق‌های مشارکتی در جامعه مدنی» هستند که حامی افراد در برابر اقدامات غیرقانونی حکومت به شمار می‌روند. حقوق سیاسی و مدنی موجود می‌تواند حق بر دسترسی به اطلاعات محیط زیستی، خسارت قضایی، و فرآیندهای سیاسی را برای افراد، گروه‌ها، و سازمان‌های دولتی فراهم نماید. در این بُعد، نقش آن‌ها نوعی تواناسازی است، یعنی تسهیل مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط زیست و الزام دولت‌ها به رعایت حداقلی از استانداردهای حفاظتی برای حیات، زندگی خصوصی، و اموال از آسیب‌های زیست محیطی است. این نسل از حق‌ها رویکردی انسان‌محور داشته و بر آثار زیانبار بر افراد انسانی به جای محیط زیست فی‌نفسه تاکید می‌کند و در واقع به سبز شدن نظام حقوق بشر به جای حقوق محیط زیست می‌انجامد.

گونه‌های انسانی از زمان‌های طولانی، متکی بر طبیعت بوده و بر سر آن با یکدیگر نزاع داشته‌اند و هیچ گونه ذی‌حیات دیگری تا این اندازه از توانایی آلوده‌سازی محیط زیست برخوردار نبوده است. نیز هیچ گونه ذی‌حیات دیگری تا این اندازه برای تحقق آنچه «زندگی شایسته» نامیده می‌شود تا این اندازه بر محیط زیست خود تکیه نداشته که به واسطه هر تغییر اساسی در محیط زیست، حیات وی نیز در معرض تغییرات بنیادینی قرار گرفته یا حتی آن را تجربه نماید. فعالیت انسان در تمام اشکال خود، تأثیری بس عمیق بر چهره محیط زیست داشته و به صورت جدی توازن اکولوژیکی طبیعت را بر هم زده است. در این میان، مادر طبیعت نیز به واسطه قلت توانایی خود در روبرویی و سازگاری با این مصائب بشر ساخته، همواره با زبان بلایای طبیعی نظیر سیل‌ها، طغیان رودخانه‌ها، و خشکسالی‌های شدید، اشک ریخته است. در واقع باید گفت، گونه‌های انسانی هم علت و هم قربانی نابودسازی محیط زیست بوده‌اند و به همین علل ضروری است که انسان‌ها بدانند که آنان به انحاء گوناگون هم فعالان بهره‌برداری از محیط زیست و هم صیانت از آن هستند.^۵

روند رو به رشد فعالیت‌های تولیدی و صنعتی در جهان که به آلودگی‌های زیست‌محیطی و تغییرات آب و هوایی ناشی از ایجاد گازهای گلخانه‌ای و آسیب‌های جدی به طبیعت و هوا انجامیده است، حیات و سلامت بشر را بر روی کره خاکی مورد تهدید قرار داده است. امروزه این مسئله به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حامیان حقوق بشر و محیط زیست مبدل شده و ادامه آن حیات نسل حاضر و حقوق نسل‌های آینده را در معرض خطر قرار می‌دهد. لذا بیم گسترش این آلودگی‌ها و عدم کنترل آن و اعمال نظارت بر آلاینده‌های صنعتی، ضرورت مداخله دولت و مشارکت‌های بین‌المللی و اتخاذ تدابیری به منظور کاهش آثار سوء ادامه این روند را دوچندان نموده است. ما نیز در راستای بررسی تحولات حقوق بشر در سال‌های گذشته، برآنیم تا حق بشر بر محیط زیست سالم و هوای پاک را در این تحقیق مورد تبیین و مذاقه قرار دهیم. اصولاً هدف اساسی قواعد حقوق محیط زیست در حفاظت از محیط زیست کره زمین، صرفاً برخورداری از محیط زیست سالم نیست، بلکه هدف اصلی فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای توسعه پایدار جوامع می‌باشد. حمایت از محیط زیست به عنوان ابزاری جهت اجرای معیارها و استانداردهای حقوق بشری قلمداد می‌گردد. به واقع حقوق محیط زیست با حمایت‌های خویش موجب تضمین رفاه نوع بشری و همین‌طور دیگر موجودات وابسته به محیط زیست و منابع طبیعی مورد نیاز آنان می‌گردد. در این گذار هدف نهایی اجرای حقوق بشر می‌باشد که می‌توان گفت حقوق محیط زیست به عنوان ابزار اجرا مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین ترتیب نیز حمایت از حقوق بشر می‌تواند به عنوان ابزاری موثر جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست قلمداد گردد. یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای زیست محیطی که در سال‌های اخیر برخی نقاط جهان، به ویژه کشور های منطقه خاورمیانه را درگیر کرده است، پدیده «ریزگردها» است که اگر برای رفع آن چاره‌ای اندیشیده نشود، هزینه‌های جبران ناپذیری را به دولت‌های درگیر این پدیده تحمیل خواهد کرد. هر کجا که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، بحث مسئولیت مدنی وی مطرح می‌شود. مسئولیت شخص نسبت به جبران خسارت ناشی از اعمال خود قاعده‌ای طبیعی و موافق قاعده است. بر مبنای این مسئولیت، رابطه دینی ویژه‌ای بین زبان دیده و مسئول به وجود می‌آید. در حقوق ایران در ذیل تسبیب سه موضوع خاص در سه ماده ۳۳۳ تا ۳۳۵ قانون مدنی مطرح شده است. اول مسئولیت مالک دیوار یا عمارت یا کارخانه، دوم مسئولیت مالک متصرف

^۵ رونون، پیر، بحرانهای قرن بیستم، ترجمه میر فندرسکی، احمد، (تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷)، و حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه کلانتریان، مرتضی، (تهران، دفتر خدمات حقوقی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰).

^۶ Science and Environmental Health Network, An Environmental Right for Future Generation

حیوان و سوم مسئولیت ناشی از تصادم وسائل نقلیه. در همه این موارد مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. بنابراین اگر خسارت از عیبی حاصل شود که مالک از آن آگاه نبوده و یا خسارت از عدم مواظبت مالک تولید نشده باشد، مسئولیتی برای مالک نخواهد بود. به دیگر سخن، اگر خسارت ناشی از عیبی باشد که مالک از آن آگاه بوده یا ناشی از عدم مواظبت مالک باشد، مالک چون مرتکب تقصیر شده، مسئول خواهد بود. اهمیت مسئولیت مدنی برای مالک، مهندسان طراح و سازندگان ابنیه و ساختمان‌ها و شناخت عواقب پیش روی آنها در صورت بروز خسارت می باشد و باید همراه به این مسأله توجه داشته باشند. در خصوص محیط زیست و مسایل مربوط به آن نیز جبران خسارات مطرح است بخصوص آنجا که عملکرد دولتها و یا اتباع آنها موجب آلودگیها و تخریب محیط زیست می گردد و زیانهای در سطح بین المللی را در پی دارد. روشهای متعددی در حقوق بین الملل برای جبران خسارات پیش بینی و مقرر شده اما از تمامی آنها نمی توان در حقوق بین الملل محیط زیست بهره جست. معمولترین روش جبران خسارت در حقوق محیط زیست پرداخت غرامت است. خسارت های زیست محیطی هر دستگاہی که باعث تخریب محیط زیست شود، قابل پیگیری حقوقی و قانونی است و می توان اعلام جرم و خسارت کرد و اگر تعهدی در کار باشد حتی قابل پیگیری کیفری نیز هست و اگر از روی قصور و ناآگاهی بوده خسارت از دستگاه مربوطه مطالبه می شود. در حال حاضر انواع مختلف آلودگی ها به سرعت در حال گسترش است. در ایران، بیشتر کلان شهرها چندین روز در سال به خاطر آلودگی تعطیل هستند در حالی که در چند سال پیش خبری از شرایط اضطراری در آلودگی هوا نبود. در این شرایط اهمیت موضوع محیط زیست برجسته تر می شود و بررسی راهکارهای حفاظت از آن تبدیل به موضوع مهم و حیاتی می شود. فارغ از قابلیت جبران خسارات زیست محیطی محض، آنچه در عمل «زیان وارده به محیط زیست» تلقی می شود، خسارتی است که به یک «آستانه» مشخصی برسد. اولین مورد اعمال این نوع آستانه را باید در قضیه اسملتر جست و جو کرد. در این قضیه، زمانی آسیب وارده توسط دود کارخانه تریل زیانبار تشخیص داده شد که این مسئله «نتایج شدید»^۷ در بر داشت و این نتایج با ادله و مدارک و شواهد روشن و متقاعد کننده محرز گردید.^۸ برخی از کنوانسیون ها نیز برای تعیین آستانه ایجاد حق طرح دعای حقوقی در خسارات زیست محیطی به آسیب^۹ یا خسارت^{۱۰} «قابل توجه»،^{۱۱} «شدید»^{۱۲} یا «عمده»^{۱۳} اشاره کرده اند.^{۱۴} در این میان آستانه «قابل توجه» در بسیاری از اسناد حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است.^{۱۵} قاعدتاً در نظر گرفتن چنین آستانه ای برای پرهیز از طرح دعای بی اساس و غیرضروری است. کانالیزه شدن مسئولیت بر یک فرد خاص و وضع مسئولیت مطلق که از دستاوردهای رژیم مسئولیت مدنی خصوصی است دو نتیجه مهم در پی داشته است؛ نخست آنکه جبران خسارات وارده به افراد تا حدود زیادی تضمین شده است. دوم آنکه افراد مسئول تلاش بیشتری جهت کنترل و پیش گیری از حوادث منجر به آلودگی های گسترده می نمایند.

ضرورت های خاص

اهمیت محیط زیست، به حدی است که هرچند معیار تقصیر، به عنوان یک ضابطه تمام عیار در مسئولیت مدنی مورد توجه حقوقدانان و قانونگذاران بوده است، اما با این حال، این امر به سمت «مسئولیت محض» سوق یافته است. نظام سنتی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر،

⁷ Serious consequences

⁸ Trail Smelter Arbitration (United States of America v. Canada) (Second award); UNRIAA, vol. III, p. 1905 at p. 1965.

⁹ Harm

¹ Damage 0

¹ Significant 1

¹ Serious 2

¹ Substantial 3

^{۱۴} وجود یک آستانه خاص برای خسارات زیست محیطی در کنوانسیونهای زیر قابل مشاهده است: بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون ناظر بر قاعده مندی فعالیت های منابع معدنی قطب جنوب، بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون ارزیابی تأثیر زیست محیطی در زمینه حوادث فرامرزی، بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۱ UNECE در خصوص تأثیرات فرامرزی حوادث صنعتی، ماده ۷ کنوانسیون کاربردهای غیرکشتریانی آبراه های بین المللی.

^{۱۵} بطور مثال، می توان به ماده ۵ پیش نویس کنوانسیون ناظر بر کاربردهای صنعتی و کشاورزی رودخانه ها و دریاچه های بین المللی اشاره کرد که توسط

کمیته حقوقی سازمان دولت های امریکایی در سال ۱۹۶۵ تهیه گردید؛ همچنین راهکارهای UN/ECE در خصوص مسئولیت ناشی از آلودگی فرامرزی آبها؛ ماده ۱۰ قواعد هلسینکی در خصوص کاربردهای آبهای رودخانه های بین المللی، گزارش کنفرانس پنجاه و دوم کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۶۶؛ ماده ۱۶ قواعد ۲۹۹۴ برلین در خصوص آب، بند های ۱ و ۲ قطعنامه مجمع عمومی به شماره ۲۹۹۵ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ در خصوص همکاری بین دولت ها در زمینه محیط زیست، بند ۶ توصیه شورای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در خصوص اصول ناظر بر آلودگی فرامرزی ۱۹۷۴. در خصوص حقوق داخلی نیز می توان به ایالات متحده اشاره کرد که از واژه «قابل توجه» استفاده کرده است.

در حوزه آلودگی‌های زیست محیطی جامعیت و کارایی مطلوب را ندارد؛ زیرا بسیاری از مصادیق خسارت‌های زیست محیطی با مبنای تقصیر، در اثبات با مشکلات مواجه می‌شود. امروز به علت ضرورت وجود صنعت و کارخانه‌ها و رقابت‌های موجود بین دولت‌ها برای سبقت گرفتن از هم در عرصه پیشرفت‌های صنعتی و همچنین نیازهای جوامع امروزی به وجود کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی، وجود کارخانه‌ها و صنعت امری غیرقابل تردید است. با وجود این، کارخانه‌ها سبب ایجاد آلودگی‌های می‌شوند که علاوه بر لطمه زدن به محیط زیست به سلامت جسم مردم نیز لطمه وارد می‌کنند و این عمل این ضرورت را ایجاد می‌کند که به این مسائل زیست محیطی اهمیت داده شود و با وضع قوانین از لطمه‌ها و آسیب‌های ایجاد شده، اگر به طور کامل قابل جلوگیری نیستند، کاسته شود. در مورد ارکان مسئولیت آلوده‌کنندگان وجود سه رکن ضرر، فعل زیانبار و نامشروع و رابطه علت بین ورود ضرر و فعل زیانبار ضروری است. با این حال بکاربردن اهرم‌ها و راهکارهای قانونی از جمله مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان محیط زیست باید به عنوان آخرین راه حل پس از انجام کلیه اقدامات فرهنگی و سیاسی به منظور جلوگیری از آلودگی صورت گیرد. این اقدامات عبارتند از توجه دادن به اهمیت و نقش محیط زیست در زندگی بشر، آگاهی دادن به آنان در مورد اثرات و تخریب محیط زیست، غیرقابل جبران بودن اثرات آلودگی و نقش افراد در جلوگیری از آلودگی محیط زیست و بیان مسئولیت اخلاقی اشخاص در حفظ محیط زیست. اهمیت شرکتها و مسئولیت مدنی وی و به ویژه نقشی که در زندگی بشر و تحول آن داشته اند بر کسی پوشیده نیست. اما با وجود تمام مزایایی که ساخت و ساز در زندگی بشر داشته، پیامدهای ناگواری نیز برای انسان رقم زده است. به طوری که حوادث ناشی از این وسائل در زمره سرگرمی‌های اسفبار زندگی انسان قرار گرفته و یکی از مهمترین عوامل مرگ و میر در سطح جهانی به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته مانند ایران است. در این راستا نگارنده با هدف تبیین دقیق موضوع و ضرورت‌های بحث این موضوع را انتخاب کرده است.

سوابق مربوط

پورهاشمی^{۱۶} (۱۳۹۳) دادخواهی و مسئولیت بین المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی پرداختند. در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی اصول و قواعد حقوقی در خصوص تغییرات آب و هوایی به ابزارهای مقابله با عدم ایفای تعهدات در این زمینه بپردازد.

حسینی^{۱۷} (۱۳۹۲) بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلودگی‌های فرامرز با نگاهی گذرا به وضعیت ایران پرداختند. یکی از انواع آلودگی‌های فرامرزی پدیده ریزگردها یا همان گرد و غبار است، که عمدتاً منطقه‌ای و بعضاً از قاره‌ای به قاره دیگر منتقل می‌شود. از عوامل اصلی ایجاد این گونه توفان‌ها، فرسایش زمین می‌باشد. پدیده گرد و غبار که در زمره آلودگی‌های از راه دور طبقه‌بندی می‌شود، از جمله موضوعاتی است که در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از جنبه آلودگی‌های فرامرزی بررسی می‌شود.

رئیس^{۱۸} (۱۳۸۹) بررسی تحولات مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی با توجه به کنوانسیون بازل پرداختند. امروزه در حوزه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی می‌توان از تحولاتی همانند گسترش دامنه مبنای این نوع مسئولیت از مسئولیت ناشی از خطاء به اصل مسئولیت ناشی از خطر، توسعه دامنه مسئولیت زیست محیطی به بخش خصوصی، پذیرش مسئولیت کیفری برای ایجاد کنندگان خسارات زیست محیطی و برخی تحولات دیگر نام برد، که همگی در مجموع حاکی از تغییر و تحول در رژیم مسئولیت در حوزه محیط زیست در سطح بین‌المللی است و کنوانسیون بازل نمونه خوبی برای نشان دادن تحولات مذکور است.

عبداللهی^{۱۹} (۱۳۸۸) امروزه در پی استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و عدم توجه به مباحث زیست محیطی و عدم رعایت الگوهای صحیح پیشرفت در قالب مفهوم توسعه پایدار، محیط زیست اطراف به شدت مورد صدمه واقع شده است. یکی از عوامل طبیعی که باعث شکننده شدن بوم سازگان یک منطقه می‌شود، مبحث بیابان‌زایی است. بیابان‌زایی عامل اصلی توفان‌های شن و گرد و غبار به شمار می‌آید، چرا که با از بین رفتن پوشش گیاهی و تغییر آب و هوا، عوامل نگهدارنده ریزگردها از بین می‌رود و این غبارهای آلوده به راحتی وارد قلمرو کشورها می‌شود. در سال‌های اخیر شاهد بروز توفان‌هایی از این جنس بوده ایم که حتی اداره یک کشور را دچار اختلال جدی نموده اند. این نوع آلودگی که عمدتاً از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل می‌شوند، تحت عنوان آلودگی‌های فرامرزی طبقه بندی می‌شوند. همانطور که از نام

^{۱۶} پورهاشمی سید عباس، طبیبی سبحان، شیما نادری. ۱۳۹۳. دادخواهی و مسئولیت بین المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی. انسان و محیط زیست. دوره ۱۲، شماره ۴ (۳۱-پیاپی ۴۲)، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۷۶-۸۵.

^{۱۷} حسینی سید محمد، ۱۳۹۲. بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلودگی‌های فرامرز با نگاهی گذرا به وضعیت ایران. مهندسی محیط زیست شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۲، صفحه ۶۹-۸۲.

^{۱۸} رئیس لیلا. ۱۳۸۹. بررسی تحولات مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی با توجه به کنوانسیون بازل. نشریه انسان و محیط زیست. دوره ۸، شماره ۲ (۱۳-پیاپی ۲۴)، تابستان ۱۳۸۹، صفحه ۵۵-۶۲.

^{۱۹} عبداللهی محسن، ۱۳۸۸. حقوق حفاظت از هوا. تهران، جزوه درسی دانشکده حقوق. دانشگاه شهید بهشتی.

آلودگی فرامرزی بر می‌آید بدان دسته از آلودگی‌ها اطلاق می‌شود که منبع آن خواه به طور کلی یا جزیی در مناطق تحت صلاحیت ملی یک دولت بوده و دارای آثار مخربی در مناطق تحت صلاحیت دولت‌های دیگر و یا در مناطق تحت صلاحیت بین‌المللی مانند دریاهای آزاد و فضا باشد.

فیروزی (۱۳۸۴) مساله آلودگی هیچ مرز و قلمروی نمی‌شناسد. آب و هوا، مواد آلوده خطرناک را از یک منطقه یا کشور به قلمرو دیگر منتقل می‌نماید. حقوق دانان برای مبارزه با این آلودگی سعی در استفاده از تمام ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل برای حل بحران‌های زیست محیطی ناشی از این امر داشته‌اند. در عصر حاضر به سبب پیشرفت صنعت و فناوری که باعث به وجود آمدن مسایل زیست محیطی و آلودگی‌های فراوان شده، محیط زیست به مساله فراملی، فرامرزی و بین‌المللی تبدیل شده است. بدین سبب امروزه محیط زیست و حفاظت از محیط زیست، حوزه‌ی نسبتاً نوینی برای مقررات بین‌المللی به شمار می‌آید. حقوق بین‌الملل جهت پاسخگویی به مسائل و مشکلات زیست محیطی جهان و حل حقوقی آنها، اقدام به وضع قواعد و مقرراتی کرده است.

مبنای مسئولیت اشخاص خصوصی و عمومی در قبال خسارات زیست محیطی

در حقوق موضوعه برای تبیین مبنای مسئولیت زیست محیطی، نظریه تقصیر و نظریه خطر به عنوان دو مبنای اصلی و نظریه فرض تقصیر، نظریه‌های نامتعارف، نظریه خطر در برابر انتفاع، نظریه مسئولیت در برابر اشتباه خطرناک و نظریه تضمین به عنوان نظریه‌های منشعب از دو نظریه اصلی و تعدیل‌کننده آنها و در فقه و حقوق امامیه نیز نظریه‌های ارزشمندی چون نظریه اتلاف، نظریه تسبیب، نظریه تعدی و تفریط، نظریه لاضرر و نظریه احترام اموال ارائه شده‌اند (ر.ک: فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳، صص ۹۴-۸۰ و بهرامی احمدی و فهیمی، ۱۳۹۶، صص ۱۵۰-۱۲۱). مبنای نظام مسئولیتی مورد نظر ما تابع قواعد حقوق عمومی است یا از نظام مسئولیتی خصوصی یا همان نظام مسئولیت حقوق خصوصی پیروی میکند؟ نتیجه این بررسی را میتوان در هدف‌های این دو نظام مسئولیتی و راهکارهای رسیدن به آنها مشاهده کرد. در کشورهایی که از نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پیروی میکنند حیطه مسئولیتی محدود به موارد شمرده شده توسط قانون‌گذار است؛ در حالی که در نقطه مقابل در نظام مسئولیتی نوین که ریشه در حقوق عمومی دارد، قلمرو مسئولیت محض به فعالیت‌های خاصی محدود نمی‌شود و در صورت وقوع هر نوع خسارت زیست محیطی فرض تقصیر آلوده‌کننده وجود دارد، چرا که در نظام مبتنی بر حقوق عمومی اصل بر مسئولیت محض آلوده‌کننده است در حالی که در مسئولیت سنتی تقصیر ملاک مسئولیتی آلوده‌کننده است. همچنین در دو نظام، مفهوم خسارت نیز تفاوت می‌کند: در نظام مسئولیتی سنتی، قابلیت مطالبه خسارت‌های زیست محیطی با تردید فراوان مواجه است چرا که خسارت مفهوم خاصی دارد و منصرف به اموال خصوصی و حقوق خصوصی اشخاص است. اما یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی این دو نظام مسئولیتی، تفاوت در اهداف آنهاست. به طوری که در نظام مسئولیتی سنتی، هدف اصلی جبران خسارات و برگرداندن وضعیت به حالت پیشین است؛ در حالی که در نظام مسئولیتی نوین، هدف اصلی، پیشگیری از ورود خسارت است، یعنی پیش از ورود خسارات، مسئولیت زیست محیطی ایجاد میشود.

نظریه تقصیر برای مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست جامعیت و کارایی لازم را ندارد؛ زیرا اولاً ارزیابی خسارتهای زیستمحیطی بسیار دشوار است؛ دوم اثبات رابطه آلودگیها و خسارات زیستمحیطی مشکل و در برخی موارد غیرممکن میباشد؛ سوم قربانیان خسارتهای زیستمحیطی انگیزه بسیار کمی برای پیگیری و مطالبه خسارتهای زیست محیطی دارند؛ چهارم در بسیاری از موارد، محیط‌زیست مال خصوصی نیست و لذا شرط تحقق مسئولیت مدنی، یعنی نقض حقوق مالکیت فردی فراهم نیست لذا بر اساس این نظریه، در عمل اثبات تقصیر غیرمقدور و به تبع آن امکان جبران خسارت غیرممکن است (خوئینی و کرمی، ۱۳۹۳، ص ۶۹). قانون اساسی و اعتبار فقه در صورت خلاء قانونی (میتوان پشتوانه فقهی آن را احترام به اموال متعلق عموم دانست و تخریب، نابودی و آلوده نمودن محیط زیست و منابع طبیعی که مشترکات متعلق به عموم است باید براساس این نظریه حفاظت گردد؛ چرا که طبیعت دارای ارزش ذاتی در فرایند بهره‌مندی و استفاده انسان از منابع طبیعی و محیط است امری که نه در قوانین ایران به آن توجه میشود، نه رویه دادگاههای ایران مطابق با این مبنا است. مسأله‌ای که بازنگری اساسی و تدوین قانونی خاص در زمینه رژیم حقوقی جبران خسارات زیست محیطی براساس مبنای مبتنی بر رویکرد مطلوب حفاظتی را ضروری مینماید همان، ص ۵۴ و ۹۴ مناسبترین مبنا برای مسئولیت در قبال محیط‌زیست، با توجه به ویژگیهای زیستمحیطی و فلسفه و روح کلی حاکم بر حفاظت محیط‌زیست، نظریه مسئولیت محض است که با توجه به اصل ۱۶۷ براساس نظریه خطر هر کس به فعالیتی بپردازد، محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و هر کسی که از این محیط منتفع میشود باید زیانهای ناشی از آن را نیز جبران کند. این نظریه با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی و عدم نیاز به اثبات تقصیر، دعاوی جبران خسارت را آسانتر به مقصود میرساند.^{۲۱} برای رفع ایراد سلب انگیزه از فعالان تولیدی و اقتصادی (که به نظریه خطر وارد میدانند) با عنصر کارآمد حمایت‌های نظام بیمه‌ای از کلیه

^{۲۰} فیروزی مهدی، ۱۳۸۴. حق بر محیط زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

^{۲۱} کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۴

فعالیت های اقتصادی و تولیدی، هم میتوان گامی مؤثر جهت حمایت از فعالیتهای اقتصادی برداشت و هم حمایت مؤثر از محیط زیست نمود. نظریه احترام اموال نیز به دنبال توسعه مسئولیت حداکثری حفاظت از محیط زیست است. در واقع، این نظریه مکمل نظریات فرض تقصیر، اتلاف و مسئولیت مطلق است و به عنوان نظریه های رقیب در برابر نظریه مبتنی بر تقصیر قرار میگیرد. بدین صورت که در فرضی که تلف مستقیماً به فاعل اسناد داده میشود، مورد مشمول قاعده اتلاف و مسئولیت مستقر است و در فرضی که اثبات رابطه سببیت مواجه با مقدمات و واسطه های بعیده و با دشواری مواجه گردد، مورد تابع احترام اموال زیست محیطی بوده، به ناچار باید به دلیل وضعیت ویژه خسارات زیستمحیطی و اهمیت آنها در .) حیات انسانی، جبران گردد. البته برای جبران خسارات به وسیله دولت باید به چند نکته توجه داشت: در فرضی که ورود زیان قابل انتساب به دولت است بهترین راه معتقد شدن به مسئولیت محض در راستای قاعده لاضرر است. یعنی در وهله اول زیانی که در اثر عملکرد مقام عمومی یا نقص وسایل اداری به محیط زیست وارد میشود، به وسیله دولت جبران گردد و در نهایت برای حفظ جنبه بازدارندگی مسئولیت مدنی و کاهش هزینه های دولت، چنانچه تشخیص داده شود که زیان در نتیجه رفتار نامتعارف مقام عمومی حاصل شده است، دولت غرامت پرداختی را از او دریافت نماید. با این شیوه، حقوق زیان دیده بهتر رعایت می شود و مسئولیت مدنی نیز جنبه بازدارندگی خود را حفظ میکند و هزینه های دولت نیز بی رویه افزایش نمی یابد. اما در فرضی که زیان قابل انتساب به دولت نیست مثل جایی که عامل زیان شناخته شده نیست و یا زیان ناشی از بلایای طبیعی است، نظر به اهمیت فراوان محیط زیست، بهتر است که اگر زیان به وسیله وارد کننده آن قابل جبران نبود، دولت وارد عمل شود و براساس نظریه استحقاق، جامعه را از تحمل آلودگی های محیط زیست برهاند با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کارمندان ... که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بیاحتیاطی خسارتی را ... وارد نمایند، شخصاً مسئول ... میباشند. کارمند در سه حالت خسارت عمدی، بیاحتیاطی و خروج از صلاحیت دارای مسئولیت مدنی خواهد بود. در غیر این صورت، دولت دارای مسئولیت خواهد بود بیاحتیاطی ناظر بر فعلی است که نباید انجام بگیرد و لیکن صورت پذیرفته است و بی مبالاتی ناظر بر ترک فعلی است که باید انجام میگرفت و لیکن صورت نپذیرفته است.

نتیجه گیری

اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک اصل مترقی است و بحث حفاظت محیط زیست را یک وظیفه همگانی به حساب آورده است و این نشان می‌دهد که قانونگذاران ما در زمان تصویب این قانون، به اهمیت مساله محیط زیست و توسعه پایدار توجه داشته اند که این را به عنوان اصل قانون اساسی مطرح کردند، ما شاهد هستیم که این اصل مشخص کرده است که در رابطه با محیط زیست به چه شکل باید عمل کنیم و کارکرد ما در چه سطحی باشد. حتی فعالیت های اقتصادی را منوط به انطباق با محیط زیست کرده اند. در این اصل حفاظت از محیط زیست را که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی و رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می کند از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. در این اصل همه چیز وجود دارد. تکلیف هم برای مردم، نمایندگان و هم برای مسئولین مشخص شده است. عملاً ما مستندات و قوانینی که در همین ارتباط داریم، چه قانون حفاظت بهسازی، چه قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، چه آیین نامه ها و سایر قوانین از جمله قانون مدیریت پسماند، در همه این ها ما شاهدیم که قانونگذار تاکید ویژه ای بر بهره برداری و استفاده از منابع تا حد توان و ظرفیت برد داشته است. حتی مصوبه هیات دولت در ارتباط با ارزیابی اثرات نیز موجود است با برنامه های پنج ساله که تاکید ویژه ای بر روی انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی پروژه ها دارند. با این تفاسیر و به شرط رعایت مصراحت قانونی می توانیم شاهد این باشیم که بر اساس ظرفیت برد و توان اکولوژیکی یک محیط بر اساس آمایش سرزمین تعریف درستی برای کاربری های مختلف در مکان های مشخص و به تبع آن پروژه های مشخص خواهد بود. وجود مشکلات زیست محیطی برغم وجود قوانین و ساز و کارهای قانونی در مورد حفاظت از محیط زیست است؛ ریشه این مشکلات از نحوه عملکرد بخش از شهروندان و جوامع انسانی است. ما در تعریف محیط زیست سه بخش را تعریف می کنیم. یکی محیط زیست طبیعی، دومی محیط زیست انسان ساخت و سومی که مهم ترین هم هست محیط زیست اجتماعی است که ریشه اغلب مشکلات به این محیط زیست برمی گردد. این بُعد از محیط که بعنوان بخش نرم افزار مساله محیط زیست می باشد بسیار مهم است. یعنی بخشی از محیط، همان رفتار ما، نگرش ما و آگاهی ماست. در یک جامعه، چه روستایی باشد و چه شهری، چنانچه دانش و مطالبات زیست محیطی وجود داشته باشد، حتماً کارکردها در راستای بهره برداری بهینه و درست از منابع خواهد بود. مشکل اساسی ما در بحث محیط زیست و گسترش آلودگی ها، به نحوه مصرف و عملکرد تک تک جوامع و عوامل انسانی بر می گردد به نوعی به "ما" بر می گردد و مسئولین در جایگاه دوم هستند و اگر ما به دنبال ریشه و اصل مساله باشیم، لازم است مردم چه روستائین و چه شهرنشین رویکرد خود را نسبت به بهره برداری، استفاده و مواجهه با اجزای محیط زیست تغییر بدهند. این اصل مساله است. کارکرد افراد در جوامع انسانی، در ارتباط با نابودی و یا بهبودی وضعیت محیط زیست، تعیین کننده خواهد بود. اگر مطالبه مردمی باشد، برای جامعه در راستای جلوگیری از فعالیت آن واحد آلاینده بسیار کمک کننده خواهد بود. که پیش نیاز این امر وجود تشکلهای مردمی تخصصی و تعداد اعضای فعال در آنهاست. مشکل اساسی ما نگاه و عملکرد تک تک افراد جامعه در ارتباط با محیط زیست است.

در سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص محیط زیست جایگاه ویژه ای برای مشارکت مردمی و کارکردهایی که به نوعی می تواند برای ما بسیار تعیین کننده و اثر بخش باشد، وجود دارد. اگر بتوانیم این سیاست های ابلاغی را در سطح جامعه پیاده و عملیاتی کنیم، می تواند بسیاری از مشکلات را حل کرد و اگر همین سیاست ها اطلاع رسانی شود، کلی از مسائل محیط زیست ما حل خواهد شد. بعنوان نمونه در بند ۴ سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه محیط زیست آمده است: پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی های غیرمجاز و جرم انگاری تخریب محیط زیست و مجازات موثر و بازدارنده آلوده کنندگان و تخریب کنندگان محیط زیست و الزام آنها به جبران خسارت. با این توصیف شهروندان می توانند علیه واحدهایی که واقعاً مخرب هستند به استناد همین بند، هم از طریق دادستانی و یا شخصاً شکایت کنند و جبران خسارت گردد. تا به حال این بخش جبران خسارت را نداشتیم و ما می توانیم به عنوان یک شهروند با یک حقوقدان صحبت بکنیم هزینه آن حقوق دان و هزینه گزافی که شما در نتیجه آلودگی محیط زیست متحمل شدید از آن واحد آلاینده مطالبه کنیم. اگر مطالبه کنیم مسلماً آن واحد آلاینده می تواند از سود خود برای آلودگی که ایجاد می کند سرمایه گذاری کند نه هزینه. و بدین صورت جبران خسارت شما شود. از آنجایی که تک تک افراد یک جامعه به عنوان اجزای محیط زیست آن جامعه هستند و در وضعیت مطلوب و نامطلوب جامعه نقش دارند و اثرگذار هستند و اینجا هیچ شائبه سیاسی هم برای مطالبه کنندگان محیط زیست سبز، پاک و عاری از آلودگی نیست. سطح عملکرد و کارکرد تک تک افراد جامعه در ارتباط با بحث محیط زیست درست باشد و روز به روز ارتقا پیدا کند، می تواند بهترین محیط زیست را برای ما ایجاد کند. کارکرد مسئولین به همین مطالبات بر می گردد. شما، من و دیگران باید به عنوان یک شهروند خواستار آگاهی از کیفیت آبی که مصرف می کنیم و یا کیفیت هوایی که تنفس می کنیم، باشیم. یا اینکه در پی این مساله باشیم که آیا یک واحد صنعتی اجازه دارد بدون اینکه فاضلابش را توسط تصفیه خانه تصفیه کند رها سازد؟ یا برنامه ای برای مدیریت محیط زیست خود نداشته باشد. این شهروندان هستند که می تواند مسیر و سمت و سوی تصمیمات و سیاست های مدیران را تعیین و تعریف کنند. اشکال کار ما اینجاست که در تعدادی از سیستم هایی که ارائه خدمات می کنند متناسب با اهداف محیط زیست جامعه عمل نمی کنند؛ ولی بخش هایی از جامعه مانند ابعاد اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد ولی بخش هایی دیگر، بنا به عدم درخواست و مطالبه توده آحاد جامعه، کم رنگ و

یا کمتر مورد توجه است. مشکل، نبود مطالبات مردم در این حوزه است. در گذشته تولید محصولات و مواد در جامعه کم بود، مصرف آب کم بود و آلودگی هوای کم بود و پسماندها هم کم تولید می شد و طبیعت می توانست اثرات منفی آنها را با توان خود پالایی خود حذف بکند اما الان محیط قادر به این کنترل به خودی خود نیست؛ ولی الان باید ما شهروندان روی تک تک فعالیت ها و اقدامات خودمان متمرکز باشیم که بتوانیم میزان آلودگی و پسماند تولیدی خود را به حداقل برسانیم و در صورتی که بتوانیم تولید خود را سبز و مناسب کرده و در نتیجه پسماند تولیدی کم شده و بزرگترین خدمت را برای محیط زیست خواهیم داشت. در رابطه با بحث آلودگی آب، صنایع، عامل اصلی هستند که متأسفانه در این خصوص با استفاده از قوانین و مقررات موجود کارکرد لازم، بایسته و شایسته ای انجام نشده است. حتی ما موارد قانونی در برنامه پنج ساله چهارم داشتیم. مانند ماده ۱۰۴، ۱۳۴ و ۱۰۵ که اینها و دستورالعمل های مربوط به آنها می توانست نقش بازدارندگی و جلوگیری از استمرار تولید آلودگی از واحدهای آلاینده چه در بعد آلودگی منابع آب، هوا و صدا و... داشته باشد که در برنامه پنج ساله پنجم این مساله به نوعی کم رنگ شده و با بی مهری مواجه شد و روند سال های گذشته که روند خوبی بود، طی نشد. اگر بخواهیم مسائل محیط زیست را بررسی کنیم، در ابتدا باید خود مفاهیم را به صورت دقیق و صحیح بدانیم تا بتوانیم ارزیابی درستی از وضعیت داشته باشیم؛ گفت: محیط زیست همان محیط پیرامون یک موجود زنده است. این موجود زنده می تواند من باشم، شما باشید، یا یک موجود زنده دیگر باشد که در این اکوسیستم و یا فراتر از آن در بیوسفر یا کره زیستی حضور دارند. پس یک شهر، یک استان و یک کشور و کره زیستی که در آن امکان زیست هست، به طور کلی به عنوان محیط زیست در یک سیستم پویا قرار می گیرد که در ارتباط با هم هست، تعریف می گردد. در این شرایط زمانی که ما در ارتباط با مدیریت محیط زیست صحبت می کنیم، یک واحد صنعتی اگر به این تعریف بالا توجه بکند، آلودگی نخواهد داشت. چرا که آن کنش و واکنش برای این واحد صنعتی می تواند اثرگذاری فراتر از مجموعه دارد و در مقابل همه ذینفعان و اجزای محیط زیست که اثر می گذارد مسئول خواهد بود. عملاً ما شاهد هستیم که در شرایط کنونی چنین دیدگاهی کم رنگ هست. نگرش آن دسته از افراد جامعه که آلوده کننده محیط زیست هستند با اهداف مدیریت محیط زیست در تضاد و تناقض هست. اگر چنین تناقضی نباشد، من شهروند وقتی از خودرو شخصی استفاده می کنم، سعی بر این خواهم داشت که کمترین مصرف سوخت را داشته باشم و با بازده بالا، تا حد توان کمترین آلودگی را تولید خواهم کرد. افراد جوامع انسانی بر اساس شناخت و تصویری که دارند محیط زیست را تعریف می کنند. گاهی به خاطر همین عدم تعریف جامع و کامل است که ما به راحتی محیط زیست را تخریب می کنیم. اگر ما نگرش سیستمی داشته باشیم و بدانیم که هر فعالیتی که انجام می دهیم بازتابی دارد و فعالیت های که در جامعه انسانی انجام می گیرد و یا بشکل شکل طبیعی در محیط زیست اتفاق می افتد، داری کنش و واکنش است که می تواند مثبت و یا منفی باشد و این اجتناب ناپذیر است که بیایم و این اثرات را کلاً حذف کنیم. بنده اگر آلوده کننده هوا باشم، حتی نمی توانم این آلودگی را در یک مرزی محدود کنم تا از یک محیط مشخصی خارج نشود و به اجزای زنده و غیر زنده محیط زیست تاثیر نگذارد. پس بنابراین اگر بخواهیم حفاظت محیط زیست داشته باشیم یا از محیط پیرامون یک موجود زنده بصورت درست حفاظت نموده یا بهره برداری کنم باید با آموزش و تبیین شرایط موجود، بازنگری در مدیریت محیط زیست داشته باشیم. لازم هست نگرش و تعریف افراد جامعه از محیط زیست متناسب با واقعیت های کنونی و شناخت مشکلات و بحران های محیط زیست پیش رو باشد. آشنایی و توجه به اثرات کارکرد ما روی آب، هوا و خاک از یک سو و شناخت اثرات محیط روی ما می تواند اثر مثبتی در بهبود کارکرد زیست محیطی تمام فعالیت ها داشته باشد. با این نگرش و با حمایت و استفاده بهینه و درخور و دراز مدت از منابع، اهداف توسعه پایدار محقق خواهد شد. از سوی دیگر اگر در بخش کشاورزی و در ارتباط با استفاده بهینه از آب و خاک بستر و شرایطی فراهم شود که کارشناسان و مهندسين سازمان نظام مهندسی منابع طبیعی و کشاورزی روی نحوه بهره برداری از این منابع نظارت و پایش کنند، ما می توانیم به موفقیت های قابل توجهی در بخش محیط زیست برسیم. یعنی بستری که در جامعه ما فراهم بشود که فرد کشاورز حضور عامل راهنما و پایش کننده را به عنوان ناظر و یا مهندس منابع طبیعی و یا محیط زیست در روستا یا در محل برداشت آب شاهد باشد تا این بهره بردار به شکل بهینه و با راندمان بالا از آب استفاده کند، این می تواند بزرگترین خدمت برای استفاده درست از منابع در بخش آب و خاک باشد. هم اکنون عملاً کشاورز و سایر بهره برداران به این مقوله به دلایل مختلف توجه لازم را ندارند، چون بسترهای ترویجی، آموزشی و نظارتی سیستماتیک و لازم وجود ندارد. دلیل مصرف بالای آب این است و به غیر از این ما مشکل اساسی که در ارتباط با مردم باشد، نداریم. رضانی اعلام کرد به عنوان مثال در حوضه آبریز دریاچه ارومیه تنها ۱۸ درصد از مساله خشک شدن دریاچه ارومیه، مربوط به خشکسالی است. تنها راه بهبود وضعیت محیط زیست در شرایط کنونی افزایش دانش محیط زیست و مسئولیت پذیری تمام اقشار جامعه و مدیریت محیط زیست در جوامع انسانی بصورت فرا ملی است.

مراجع

- اسکینی، ربیعا؛ باقرآبادی، فرامرز ۱۳۹۰. تعهدات اساسی فرانشیزگیرنده در قراردادهای بین المللی فرانشیز»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۳، پاییز، صص ۱-۲۰.
- پوالنسکی، پاول زیمیسلاو ۱۳۸۷. انعقاد قراردادهای الکترونیکی بینالمللی در جدیدترین کنوانسیون سازمان ملل متحد»، ترجمه حسین کاویار، مجله حقوقی، سال ۲۵، شماره ۳۹، پاییز و زمستان، صص ۳۱۳-۳۳۴.
- شریعت باقری، محمدجواد ۱۳۹۱. حاکمیت اراده بر قراردادهای بین المللی خصوصی»، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۵۸، تابستان، صص ۹۷-۱۴۰.
- قبولی درافشان محمدهادی ۱۳۹۵. مفهوم بیع و تمایز آن از سایر قراردادها در حقوق ایران با بررسی تطبیقی در حقوق انگلیس. مجتمع علمی فرهنگی مجد.
- Black's Law Dictionary, 6 th ed. , London, West Publishing Co, 1990.
- Gifis, Steven, Law Dictionary, 3rd ed. , United States of America, Barron's Education Series, 1984
- Heaton, Derek. T. , Commercial Law ; Text and Seminar workbook, London, Prentice Hall, 1991.
- Borrie, Gordon, Commercial Law, 4 th ed. , London, Butterworths, 1975.
- Hugh , Jones , Publishing Law , 1ed , . London , New Fetter Lance, 1996.
- Treitel, G. H. , 10th ed. , The Law of Contract, London, Sweet & Maxwell, 1999.
- Dobson, A. P., 4 th ed. , Sale Of Goods and Consumer Credit, London, Sweet & Maxwell, 1989.
- Charls worth's Business Law, 16 th ed, . London, Sweet & Maxwell, 1997.
- Chitty On Contracts, vol. 2 (General Principles), 23th ed, . London, Sweet & Maxwell, 1968.
- Benjamin's Sale of Goods, 5 th ed. , London , Sweet & Maxwel, 1997.
- Martin, C. H. (2008). "The Electronic Contracts Convention, the CISG, and New Sources of E-Commerce Law", Tulane Journal of International & Comparative Law, vol. 16, No. 2.